

استراتژی ساکن جدید کاخ سفید برای خاورمیانه

روزنامه اعتماد در گفتوگو با کارشناسان بررسی کرد

حدیث روشنی

در شرایطی که جهان با بحران‌های پیچیده‌ای همچون تنش‌های فزاینده در خاورمیانه مواجه است، کارزار انتخاباتی امریکا بیش از گذشته به کانون توجهات تبدیل شده است. به باور برخی ناظران این انتخابات نه تنها سرنوشت سیاسی این کشور را تعیین خواهد کرد، بلکه می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های جهانی و روابط بین‌المللی داشته باشد. در این میان، رویکرد رییس‌جمهور احتمالی امریکا نسبت به معادلات جدید خاورمیانه که به واسطه رویارویی ایران و اسرائیل و ادامه حملات افسارگسیخته تل‌آویو به لبنان و غزه برجسته شده دارای اهمیت بسزایی است. در این میان رویکرد رییس‌جمهور تازه ایالات متحده نسبت به ایران نیز از جمله مسائلی است که می‌تواند اهمیت این کارزار را به‌طور فزاینده‌ای افزایش دهد. از این رو رویکرد رییس‌جمهور جدید امریکا فارغ از اینکه دموکرات باشد یا جمهوری‌خواه در مواجهه با ایران، به ویژه در زمینه سیاست‌های منطقه‌ای این کشور، می‌تواند به شکل‌گیری یک استراتژی جدید منجر شود. در حالی که برخی گمانه زنی‌ها حول این محور می‌چرخد که پیروزی احتمالی دونالد ترامپ رییس‌جمهور پیشین احتمالاً سطح تنش‌ها را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش خواهد داد، دیگران نیز بر این باورند که برقراری دیالوگ و همکاری با تهران توسط معاون بایدن می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد ثبات در منطقه کمک کند. هر یک از این رویکردها نه تنها بر روابط ایران و امریکا با روی کار آمدن دولت جدید در ایالات متحده تأثیر خواهد گذاشت، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری دور تازه‌ای از اعمال فشارهای حداکثری کمک کرده و در مقابل زمینه‌هایی را برای رایزنی و ازسرگیری روند تعاملات جدید میان تهران و واشنگتن فراهم کند. آنچه که تحلیل و ارزیابی را برای

تحلیلگران کمی پیچیده کرده است شرایط ملتهب خاورمیانه، به ویژه در ارتباط با تنش‌های ایران و اسرائیل است که یک چالش بزرگ برای تازه وارد کاخ سفید خواهد بود. به ادعای برخی ناظران تهران و تل‌آویو در حال حاضر درگیر بازی خطرناک نظامی و سیاسی شده‌اند و با وجود رویارویی‌هایی که طی یک ماه اخیر میان دو بازیگر صورت گرفت اما همچنان گمانه‌زنی‌ها مبنی بر احتمال شکل‌گیری رویارویی فراگیر متاثر از افزایش سطح تنش‌ها میان ایران و اسرائیل وجود دارد. بنابراین هرگونه تغییر در سیاست‌های آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین حامی اسرائیل می‌تواند به تغییر معادلات قدرت در این منطقه منجر شود. این گمانه‌زنی‌ها در شرایطی مطرح شده است که تلاش‌هایی بایدن در روزهای پایانی دولت او و نیز در آستانه برگزاری انتخابات سرنوشت‌ساز ایالات متحده در راستای پایان جنگ در غزه و لبنان از طریق کانال‌های مختلف به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. به باور برخی ناظران آنچه که در اولویت ایران بعد از حمله محدود اسرائیل قرار گرفته است پایان جنگ با تکیه بر برقراری آتش بس البته مشروط به پذیرش شروط آن توسط حماس و حزب‌الله است. ناظران این ادعا را نیز مطرح کرده‌اند که تاثیر مستقیم شرایط ملتهب خاورمیانه بر انتخابات آمریکا که مستقیماً سبب رای دموکرات‌ها را هدف قرار می‌دهد، تحرکات مقامات دولت بایدن را بیش از هر زمان دیگری برای برقراری آتش‌بس افزایش داده است.

به این بهانه روزنامه اعتماد با امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا و رحمان قهرمان‌پور کارشناس مسائل سیاست خارجی گفت‌وگو کرده است.

امیر علی ابوالفتح:

تنش‌زدایی در اولویت دولت آمریکا قرار ندارد؛ مدیریت تنش‌ها می‌تواند راهگشا باشد

امیرعلی ابوالفتح در پاسخ به این سوال «اعتماد» که با لحاظ گرفتن نتایج نظرسنجی‌های مختلفی که میان رای‌دهندگان آمریکایی انجام شده، شانس کدام نامزد برای پیروزی در این ماراتن محتمل است، گفت: نکته اول در این مورد این است که کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال 2024 به شدت رقابتی شده است به گونه‌ای که فاصله آرا میان نامزدها در نظرسنجی‌ها به کمترین میزان ممکن رسیده است. به واقع برتری ایجاد شده برای یکی از نامزدها در مقابل دیگری در حد یک یا 1.5 درصد و حتی زیر یک درصد است. نکته مهم این است که این

اختلاف بسیار کمتر از خطای محاسباتی در آمارگیری است که معمولاً بین 3 تا 5 درصد می‌باشد. نکته دوم اینکه اصولاً نتایج انتخابات آمریکا قابل پیش‌بینی نیست به این دلیل که نظرسنجی‌ها زمانی کارایی دارند که بتوانند تشخیص دهند کدام نامزد در میان رای‌دهندگان محبوب‌تر است و شانس بیشتری برای پیروزی دارد. این درحالی است که در آمریکا امکان پیروزی فردی با رای مردمی کمتر نیز وجود دارد. این مورد نیز در سال 2016 و در سال 2000 اتفاق افتاد و نامزدی با رای مردمی کمتر پیروز انتخابات شد. البته که برای حل این مشکل ادعا شده است که رقابت اصلی میان دو نامزد در چند ایالت حساس مورد توجه است؛ ایالت‌هایی که از آنها تحت عنوان میدان نبرد یاد می‌شود و از همین رو باید نظرسنجی‌ها در این ایالات مهم را برای پیش‌بینی بررسی نمود. اما همچنان اعلام نتیجه محتمل قابل پیش‌بینی نیست به این دلیل که ممکن است در این ایالت‌های حساس نیز نامزدی پیش افتاده باشد؛ اما این امکان وجود دارد که دادگاه‌ها انتخابات را به چالش بکشند و با صدور احکامی سرنوشت انتخابات را تغییر دهند؛ مانند انتخابات سال 2020. بنابراین اصولاً نمی‌توان این پیش‌بینی را داشت که چه کسی وارد کاخ سفید خواهد شد. اگر این انتخابات با همین اعداد و ارقام با این فاصله کم در هر کشور دیگری به جز ایالات متحده در جریان بود هم امکان پیش‌بینی برنده وجود نداشت.

ابوالفتح در پاسخ به سوال دیگر «اعتماد» در این باب که اقدامات غیرمتعارف دونالد ترامپ چقدر توانسته ورق را به نفع او برگرداند بالاخص آنکه نظرسنجی‌ها طی روزهای پایانی این کارزار وارد مراحل پیچیده‌ای شده است، گفت: معمولاً به این صورت است که طی دو هفته پایانی مانده به پایان انتخابات در تمام جهان این‌گونه هست که نامزدها تلاش می‌کنند آرای رای‌دهندگان مردد را به سمت خود جلب کنند، چراکه شهروندانی که قصد دارند براساس تعلقات حزبی رای بدهند از مدت‌ها قبل در این زمینه تصمیم‌گیری کرده‌اند. بنابراین طی روزهای پایانی نامزدها تلاش می‌کنند با دست گذاشتن روی نقاط ضعف دیگر نامزد و خطاهای سهوی رقیب جنجال‌های جدیدی به پا کنند و از این طریق آرای مرددین را کسب کنند. اساساً اقدام جنجالی ترامپ درباره پوشیدن لباس رفتگرها هم به این دلیل بود که اول یک کم‌دین در کمپین ترامپ ادعایی را علیه پرتوریکو مطرح کرد و بعد از آن جو بایدن ادعای دیگری علیه هواداران ترامپ را مطرح کرد. دونالد ترامپ نیز برای اینکه از این توهین بایدن به هواداران خود نهایت بهره‌برداری را برای کمپین خود داشته باشد لباس رفتگران را به تن کرد. این موضوع در فضای انتخاباتی ایالات متحده مرسوم است. اما با

این وجود همچنان برنده این کارزار قابل پیش بینی نیست. هم ترامپ شانس پیروزی دارد و هم هریس. هرچند برتری نسبی برای خانم معاون بعد از کناره‌گیری بایدن از کارزار انتخابات ایجاد شد؛ اما مقبولیت او در میان رای‌دهندگان مردد با گذشت زمان کاهش یافته است و به نظر می‌رسد این روند ادامه دارد. اما همچنان نمی‌توان گفت که کدام یک از نامزدها قطعاً وارد کاخ سفید خواهند شد.

این کارشناس مسائل آمریکا در پاسخ به سوال دیگر «اعتماد» در این باب که با توجه به رویکرد قاطع دولت پزشکیان مبنی بر ورود به مسیر تنش‌زدایی با غرب گمانه‌زنی‌های مختلفی در این خصوص مطرح شده است؛ در صورت روی کار آمدن هریک از نامزدها دونالد ترامپ یا کاملاً هریس روند این تنش‌زدایی چگونه هموار خواهد شد، به عبارتی دیگر اساساً این گزاره در صورت پیروزی کدام یک از نامزدها احتمال تحقق دارد، گفت: در شرایط کنونی که فضای انتخابات بر ایالات متحده حاکم شده طبیعی است که هریک از نامزدها اظهارات خاصی را درباره موضوعات گوناگون با این هدف که شانس پیروزی خود را بالا ببرند مطرح کنند. اما به روشنی مشخص نیست زمانی که پیروز شدند به وعده‌های خود پایبند بمانند یا خیر؛ این مورد را نیز گذشت زمان نشان خواهد داد. در شرایط کنونی همچنان خیلی زود است که به این سوال پاسخ داد، چراکه اولاً باید مشخص شود که چه کسی پیروز این کارزار خواهد شد. دوم اینکه ترکیب و تیم امنیت ملی و سیاست خارجی هریک از نامزدها در جای خود اهمیت دارد. اینکه چه کسی وزیر خارجه و همچنین چه کسی وزیر دفاع می‌شود با اهمیت است. یا این مقوله که مشاور امنیت ملی چه کسی خواهد بود و جامعه اطلاعاتی به چه کسی سپرده خواهد شد، می‌بایست مورد توجه قرار بگیرد. حتی معاون‌های آنها باید مشخص شود. این پروسه تا 20 ژانویه سال آینده یعنی اول بهمن که دولت جدید رسماً شروع به کار می‌کند زمان خواهد برد. پس از آن نیز موضوعات و مشکلات مهم‌تری در عرصه داخلی وجود دارد که حل و فصل آنها برای دولت جدید در اولویت خواهد بود. بعد از آن به موضوع ایران پرداخته خواهد شد. بنابراین همچنان نیاز به زمان است تا پیش‌بینی کنیم رویکرد دولت جدید ایالات متحده در قبال ایران چه خواهد بود. البته که در آن صورت هم عملکرد آنها مهم است؛ این گزاره و استناد به اینکه ترامپ هم در دولت اول خود اقداماتی را علیه ایران انجام داده است بنابراین، این رویکرد در دولت دوم او نیز ادامه خواهد داشت تحلیل درستی نیست. باید همچنان صبر داشته باشیم و بعد از گذشت زمان متوجه تفاوت‌های دولت اول در 2016 با دولت دوم احتمالی او در ایالات متحده خواهیم شد. در مورد کاملاً هریس

نیز این متغیر وجود دارد، اگر او برنده این کارزار باشد قطعاً سیاست‌هایش در جایگاه معاونت جو بایدن با سیاست‌هایش به عنوان مهمان تازه کاخ سفید متفاوت خواهد بود. بنابراین اکنون شرایط برای ارزیابی این موضوع وجود ندارد. باید پروسه تشکیل دولت طی شود و بعد از آن اولویت‌ها تعیین شود و سپس اقدامی عملی از سمت دولت جدید امریکا را شاهد باشیم تا بتوان تحلیلی درست ارائه داد.

ابوالفتح در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» درخصوص اینکه هر يك از نامزدها چگونه از رویارویی احتمالی تهران و تل‌آویو در شرایط فعلی متاثر خواهند شد نیز گفت: دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و مشخصاً کاملاً هریس و دونالد ترامپ اختلاف‌نظرهای بسیاری در حوزه‌های مختلفی دارند؛ از مسائل داخلی گرفته تا مباحث مربوط به سیاست خارجی، اما در موضوع حمایت از اسرائیل، تعهد به تامین امنیت این رژیم و تامین نیازهای تسلیحاتی تل‌آویو هیچ تفاوتی میان دو حزب و حتی در شرایط فعلی دو نامزد وجود ندارد. نمی‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که با فرض پیروزی یکی از نامزدها مشخصاً دموکرات‌ها ممکن است اسرائیل را در برابر ایران تنها بگذارند. بنابراین با توجه به درگیری‌های پینگ‌پنگی فعلی که میان تهران و تل‌آویو در جریان است، با فرض بر اینکه تهران بخواهد به اقدام تهاجمی و تجاوزکارانه اسرائیل به خاک ایران پاسخ دهد، چه این اقدام قبل از انتخابات یا حتی بعد از پایان این کارزار و در شرایطی که رییس‌جمهور جدید امریکا مشخص شده باشد انجام شود؛ همچنان هر دو نامزد تحت هر شرایطی از اسرائیل حمایت خواهند کرد. این حمایت‌ها در اول بهمن (20 ژانویه 2025) یعنی زمانی که دولت رسماً انتقال داده شد نیز همچنان ادامه دارد. اما آنچه که اهمیت دارد این است که دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در موضوع فلسطین، دیدگاه‌های متفاوتی دارند که بحث اصلی راهکار دو دولتی است. در این زمینه دموکرات‌ها رویکرد تحت فشار گذاشتن اسرائیل را برای تحقق این راهکار دنبال می‌کنند اما جمهوری‌خواهان راه حل دو کشوری راهکار مناسبی می‌دانند اما بدون اعمال فشار بر تل‌آویو.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به این سوال که با توجه به تشدید فشارها از سوی دولت فعلی امریکا به منظور دستیابی به توافق آتش‌بس این امکان وجود دارد که شاهد اتفاق خاصی در این زمینه به منظور جلوگیری از وقوع جنگی فراگیر که قطعاً انتخابات امریکا را تحت تاثیر قرار می‌دهد، باشیم، گفت: اینکه تصور کنیم آتش‌بس تا قبل از پایان انتخابات امریکا برقرار شود خیلی بعید به نظر می‌رسد.

حتي اين احتمال وجود دارد که نه طرف امريکايي مايل به پايان درگيريها باشد نه طرف اسراييلي؛ به اين دليل چنين شرايطي مي‌تواند روي نتايج انتخابات اثرگذار باشد. بنا بر اين به نظر مي‌رسد فقط يك معجزه مي‌تواند منجر به شکل‌گيري توافقي تحت عنوان آتش‌بس شود حال در جبهه غزه يا در جبهه لبنان. در اين زمينه به اعتقاد من ترديدهاي وجود دارد که حتي تا زمان انتقال قدرت در امريکا در بهمن ماه نيز اين جنگ به پايان برسد. البته برخي رسانه‌ها مدعي شدند که ترامپ به نتانياهو فشار آورده است که بايد تا قبل از اينکه او وارد کاخ سفيد شود جنگ را به پايان برساند. اما نه نتانياهو در اين زمينه خيلي از ترامپ تبعيت مي‌کند و از طرفي ديگر بحران در منطقه آن قدر سطحي نيست که طي يکي، دو ماه پايان يابد. حداقل من در ارتباط با تحولات نگاه بدبينانه‌اي دارم. البته ممکن است بعد از انتخابات اتفاقاتي رخ دهد و شرايطي مهيا شود اما رويکردي که اسراييل طي يك سال اخير در پيش گرفته است، هرگونه اميد را تضعيف مي‌کند. در هر صورت اميدواريم که اين آتش‌بس حداقل بعد از انتخابات اجرا شود، هرچند که خيلي نمي‌توان روي اين گزاره حساب کرد.

اين کارشناس مسائل بين‌الملل در پاسخ به سوال پاياني «اعتماد» درخصوص اينکه در صورت پيروي ترامپ رويکرد او با لحاظ کردن گزاره احتمال تداوم رويارويي تهران و تل‌آويو چه خواهد بود و اينکه سياست اعمال فشارهاي حداکثري عليه ايران مجدداً تکرار خواهد شد يا گزاره رايزنيها نيز مي‌تواند محتمل باشد، گفت: اگر ترامپ مجدداً به کاخ سفيد بازگردد خواه جنگ غزه در جريان باشد يا به پايان رسیده باشد قطعاً به دنبال تشديد فشار حداکثري عليه ايران هست؛ حتي اين احتمال قوي وجود دارد که ترامپ ميزان فشارهاي حداکثري که در دولت اول خود اعمال کرد را نيز افزايش دهد. اما اينکه اين توانايي در او وجود داشته باشد يا خير، محل ترديد است. برخي معتقدند که بايدن نمي‌خواست يا نمي‌خواهد بر ايران فشار وارد کند. اما من معتقدم بايدن نمي‌توانست و همچنان نمي‌تواند بر ايران از آن ميزاني که مدنظر او بود يا هست فشار بيشتري وارد کند، به اين دليل که فشارهاي بيشتري قطعاً عواقب بيشتري را به دنبال خواهد داشت. فارغ از آن فشار حداکثري صرفاً تنشها ميان تهران و واشنگتن را افزايش مي‌دهد و همچنين اعمال فشارهاي بيشتري مي‌تواند اثرات وضعي نيز روي قيمت نفت و همچنين تورم داخلي امريکا و نيز مشکلاتي که بر اثر جنگ اوکراين به وجود آمده، داشته باشد. به عبارتي ديگر فارغ از اينکه ترامپ روي کار باشد، يا هريس معذوريتها و محدوديتهايي براي دولت

امریکا وجود دارد که نمی‌توانند فشارها را از حد معینی بیشتر کنند. بنابراین دولت ترامپ به تشدید فشارهای حداکثری علاقه دارد اما اینکه می‌تواند یا خیر، بحث دیگری است.

در مورد بحث تنش‌زدایی نیز اساساً هیچ نشانه‌ای در باب تمایل واشنگتن برای گام برداشتن در این مسیر وجود ندارد. اگر ایران و آمریکا بخواهند در روندی عاقلانه و همچنین باتدبیر و مصلحت‌سنجی عمل کنند، مدیریت تنش‌ها برای دو طرف دست‌آورد تلقی خواهد شد. به عبارتی دیگر انتظاری از دو طرف نمی‌رود که وارد روند تنش‌زدایی شوند؛ اینکه تنش‌ها از میزانی که وجود دارد بالاتر نرود، کفایت می‌کند.

در مورد تقابل تهران و تل‌آویو نیز این واقعیت وجود دارد که ترامپ کاملاً و علناً حامی نتانیاهو خواهد بود اما نکته‌ای که قابل توجه است این است که شرایط به گونه‌ای نیست که در صورت پیروزی ترامپ، نتانیاهو به صورت حداکثری و کاملاً تابع اقدامات و اوامر او باشد. سقف مطالبات نتانیاهو یا انتظارات او نسبت به تحولات منطقه و نظام بین‌الملل به قدری زیاد و بلندپروازانه و توسعه‌طلبانه است که حتی آمریکا نیز در برخی موارد حاضر به پذیرفتن آنها نیست؛ به عنوان مثال اینکه واشنگتن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان را به رسمیت بشناسد یا حتی حاکمیت اسرائیل بر کرانه باختری و حتی بر غزه را به رسمیت بشناسد، یک مسأله است و اینکه آن گروه فوق‌افراطی راست‌گرای متعصب مذهبی جنگ‌طلب در داخل اسرائیل که داعیه گسترش سرزمینی در لبنان و اردن و سوریه را دارند، مهار کند مسأله دیگری است. امریکایی‌ها به راحتی این موارد را نمی‌پذیرند.

رحمان قهرمان‌نپور:

در صورت بازگشت ترامپ به کاخ سفید شرایط برای ایران سخت‌تر خواهد شد

رحمان قهرمان‌نپور در پاسخ به سوال نخست «اعتماد» در باب ادعای مطرح شده درخصوص تصمیم ایران برای پاسخ به تجاوز اخیر اسرائیل و تاثیر این رویارویی احتمالی بر کارزار انتخاباتی آمریکا گفت: ذکر این نکته اهمیت دارد که بخش قابل‌توجهی از رای‌دهندگان امریکایی تا امروز که 3 نوامبر است رای خود را به روش‌های قانونی اعلام کرده‌اند و احتمالاً تعداد رای‌دهندگان از 70 میلیون عبور کرده است و عملاً تغییر رای اکثریت امریکایی‌ها در صورت اقدام ایران ممکن نخواهد بود. از آن گذشته 95 درصد افرادی نیز که همچنان رای خود را

اعلام نکرده‌اند، نامزد موردنظر خود را انتخاب کرده‌اند. فارغ از تصمیم رای‌دهندگان مساله اول شهروندان امریکایی اقتصاد است. بعد از مساله اقتصاد سقط جنین و سپس مهاجرت، قرار دارد و سیاست خارجی در اولویت چهارم تعریف شده است. ذیل اولویت چهارم یعنی سیاست خارجی نیز مساله اول چین و رقابت امریکا با این کشور و همچنین جنگ‌های تجاری میان دو کشور است. هرچند شرایط ملت‌ها خاورمیانه بخشی از دغدغه رای‌دهندگان می‌باشد. درخصوص ارزیابی تاثیر پاسخ ایران بر کارزار انتخاباتی امریکا طی یکی دو روز آینده باید گفت که این به ابعاد پاسخ و احتمال کنترل آن منوط است. اگر پاسخ احتمالی ایران در سطحی کنترل شده باشد، به اعتقاد من تاثیر زیادی بر نتایج کارزار پیشرو در امریکا نخواهد داشت، چراکه پنتاگون نیز اعلام کرده تعدادی جنگنده و تانک‌های سوخت را در منطقه مستقر کرده است؛ این به معنای آن است که احتمالاً امریکا همچنان به دنبال کنترل شرایط و رهگیری موشک‌های ایران است، اما در صورتی که این حمله احتمالی منجر به کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان شود یا سربازان امریکایی در منطقه را هدف قرار دهد، اثرات آن به مراتب بیشتر از میزانی خواهد بود که در سناریوی اول ارزیابی شد. به عبارتی دیگر کشته شدن سربازان امریکایی در خاورمیانه یا حمله به تجهیزات نظامی این کشور در منطقه خط قرمز واشنگتن محسوب می‌شود. در صورت تحقق این سناریو ترامپ می‌تواند از این مساله برای حمله به هریس بهره‌برداری کند و از طرفی شانس پیروزی او نیز بالاتر می‌رود. در این مورد که اگر شهروندان اسرائیلی به واسطه حمله احتمالی ایران کشته شوند چه خواهد شد ارزیابی روشنی وجود ندارد. البته که جمهوری اسلامی ایران تمایلی به هدف قرار دادن غیرنظامیان ندارد. ذکر این نکته اهمیت دارد احتمال تحقق سناریوی دوم یعنی وقوع درگیری غیرقابل کنترل اندک است. اگر ایران مواضع تل‌آویو را هدف قرار دهد و حتی اگر در جریان این حمله احتمالی تعداد بالایی نیز موشک پرتاب شود، بعید به نظر می‌رسد نتایج انتخابات در امریکا تحت تاثیر قرار بگیرد. اما اگر اقدام احتمالی ایران منجر به مرگ سربازان امریکایی و همچنین شهروندان این کشور شود طبیعتاً منجر به افزایش شانس پیروزی ترامپ خواهد شد.

این کارشناس سیاست خارجی در ادامه خاطر نشان کرد: در باب اینکه پاسخ به اسرائیل بر چه مبنایی اتخاذ شده باید گفت این موضوع حساسی است که در سیاست به آن جعبه سیاه تصمیم‌گیری گفته می‌شود. اول اینکه ادعایی که درخصوص تصمیم ایران مطرح شده، قطعی نیست. دوم اینکه با فرض بر اینکه آن را قطعی بدانیم، نمی‌توان به صورت

دقیق ارزیابی کرد چه محاسباتی برای این تصمیم احتمالی مدنظر قرار گرفته شده است. این سوالات تا زمانی که در رسانه‌های داخلی به صورت علنی مطرح شود به قوت خود باقی است. ضمن اینکه به اعتقاد من پاسخ احتمالی ایران به نفع ترامپ خواهد بود. این گزاره از این جهت با اهمیت است که تهران تمایلی به بازگشت ترامپ ندارد.

قهرمانپور در پاسخ به سوال «اعتماد» در این باب که گمانه‌زنی‌های مطرح شده درخصوص رویکردهای احتمالی ترامپ و هریس در قبال رویارویی احتمالی ایران چقدر محتمل است و آیا عملکرد دولت دوم ترامپ دقیقاً مانند دولت اول او در 2016 خواهد بود، گفت: در حال حاضر به این دلیل که همچنان مشخص نیست ترامپ پیروز این انتخابات خواهد بود یا هریس باید با احتیاط این موضوع را تحلیل کرد. اگر فرض کنیم ترامپ مجوز ورود به کاخ سفید را بگیرد به واقع نمی‌دانیم که ترکیب کابینه او مانند گذشته است یا چهره‌های تازه‌ای در کابینه تعریف می‌شوند. برخی تأکید می‌کنند دولت ترامپ متفاوت از نومحافظه‌کاران جمهوریخواهی که در دولت بوش بودند، می‌باشد. این موضوع همچنان محل ابهام است. برخی معتقدند رییس‌جمهوری پیشین چهره‌هایی چون ونس یا اسکات را در کابینه خود تعریف می‌کند که به مراتب از ترامپ نیز تندروتر هستند. برخی معتقدند افراد جدیدی منصوب می‌شوند؛ چهره‌هایی که مانند بولتون و پمپئو نخواهند بود و میانه‌روتر هستند. به اعتقاد من فارغ از اینکه ترامپ چه کسی را برای اعضای کابینه خود انتخاب می‌کند، براساس تجربه چهار ساله ریاست‌جمهوری او می‌توان این ادعا را داشت که موضع ترامپ در قبال ایران سختگیرانه‌تر و تندتر و با فشار بیشتری همراه خواهد بود. البته این به معنای این نیست که اگر هریس پیروز این انتخابات باشد با او به توافق خواهیم رسید. هر چند می‌توان گفت خطر هریس برای ایران کمتر خواهد بود، چراکه ترامپ به لحاظ شخصیتی به شدت ریسک‌پذیر است. او در دولت اول خود در ماجرای ترور شهید سردار قاسم سلیمانی و همچنین انتقال پایتخت تل‌آویو به بیت‌المقدس ریسک‌های بزرگی را متقبل شده و اگر بتواند وارد کاخ سفید شود احتمالاً مجدداً در ارتباط با ایران ریسک بزرگی خواهد کرد. این درحالی است که برخی معتقدند فضای بیشتری برای اعمال فشارهای گسترده‌تر از سوی ایالات‌متحده باقی نمانده است و تحریم‌ها به سقف خود رسیده است. اما به اعتقاد من ترامپ شخصیتی غیرقابل پیش‌بینی است، از همین رو اگر بار دیگر به کاخ سفید بازگردد ممکن است از اقدامات تند تل‌آویو نیز حمایت کند. اما باید توجه داشت که ترامپ مدعی است مخالف جنگ است، از همین رو به احتمال خیلی زیاد از ورود

مستقیم به درگیری ایران اجتناب خواهد کرد. این به معنای آن است که او مستقیماً وارد درگیری تهران و تل‌آویو نخواهد شد اما مانع رویارویی ایران و اسرائیل نیز نمی‌شود، چراکه اگر احساس کند این درگیری به نفع اسرائیل است از این بازیگر بیش از بایدن دفاع خواهد کرد. در مقابل کاملاً هریس فشارهای بیشتری را به تل‌آویو وارد خواهد کرد بالاخص درباره موضوعاتی مانند ایده دو دولتی و کمک‌های بشردوستانه در غزه، در واقع تفاوت عمده دو نامزد در این موضوع است. آنچه که قطعی است هیچ کدام از دو نامزد در این منازعه به نفع ایران وارد نمی‌شوند و اگر احساس کنند که اسرائیل دست برتر را در قبال ایران دارد مانع گسترده‌تر شدن رویارویی نخواهند شد و این وجه مشترک هر دو نامزد است. طبیعتاً فشار دموکرات‌ها و دولت احتمالی هریس بر نتانیاهو جهت جلوگیری از وقوع جنگ منطقه‌ای و رعایت مسائل حقوق بشری و ایده دو دولتی بیشتر از ترامپ خواهد بود.

این کارشناس مسائل سیاست خارجی در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» درخصوص این ادعا که آیا آن‌گونه که رسانه‌ها از گفت‌وگوهای محرمانه رهبران اسرائیل و آمریکا فاش کردند، ترامپ نتانیاهو را برای پایان درگیری‌ها در جبهه غزه و جنوب لبنان زیر فشار قرار خواهد داد یا نه، گفت: این ادعا از این زاویه می‌تواند صحیح تلقی شود که شخص ترامپ برای اینکه به کمپین هواداران خود اقتدارش را نشان دهد احتمالاً به این گزینه روی آورده است؛ اما با فرض درستی این ادعا، تحقق چنین گزاره‌ای همچنان به معنای فشار بر نتانیاهو نخواهد بود، چراکه نتانیاهو به خوبی از شخصیت ترامپ شناخت دارد. ممکن است نتانیاهو در دی‌ماه قبل از ورود رسمی ترامپ به کاخ سفید درباره آتش‌بس توافق کند اما قطعاً امتیازات بزرگی با هدف اعمال فشار بر ایران از رییس کاخ سفید خواهد گرفت. نتانیاهو در دولت اول ترامپ نیز چنین اقدام مشابهی را انجام داد. حداقل یکی از دلایلی که منجر به خروج ترامپ از برجام شد فشارهای نتانیاهو بود. اما مساله این است که از زمان پیروزی احتمالی ترامپ در 6 نوامبر تا زمانی که رسماً وارد کاخ سفید شود بدترین شرایط ممکن حاکم خواهد شد. این دوره انتقال بسیار سخت خواهد بود، چراکه بایدن در حال ترک کاخ سفید است، هریس يك نامزد شکست‌خورده و بی‌انگیزه است. ترامپ رسماً شروع به کار نکرده است؛ بنابراین نتانیاهو از این خلأ قدرت و از این وضعیت بی‌دولتی آمریکا برای تنش‌زایی بیشتر در قبال ایران بهره‌برداری خواهد کرد. در این صورت ممکن است وارد جبهه جدید جنگی با ایران یا محور مقاومت شود؛ از شخص نتانیاهو این قبیل اقدامات

بعید نیست.

قهرمانپور در پاسخ به سوال پایانی «اعتماد» در این باب که رویکرد ترامپ و هریس در قبال ایده دودولتی و نیز پیمان امنیتی واشنگتن با ریاض چگونه خواهد بود، گفت: اول اینکه باید گفت مذاکرات عادی‌سازی متوقف نشده است. دو مانع در این زمینه وجود داشت که برطرف شدند؛ اول بحث جزایر صنافیر و تیران و دوم مساله تضمین دفاعی امریکا و عربستان. مذاکرات عادی‌سازی در مراحل پایانی خود بود که عملیات 7 اکتبر انجام شد. دولت بایدن و شخص بلینکن وزیر خارجه او به صراحت مدعی شدند که متعهد به عادی‌سازی روابط تل‌آویو و ریاض هستند. اما تفاوت بایدن و ترامپ در این مورد به خصوص این است که ترامپ صرفاً به دنبال عادی‌سازی است و ایده دو دولتی را پیگیری نمی‌کند اما دولت بایدن عادی‌سازی را زمینه‌ای برای راه‌حل دودولتی می‌داند و معتقد است که این گزاره به تحقق این ایده کمک خواهد کرد. به اعتقاد من در صورت روی کار آمدن هریس دولت او هر متغیر را به صورت همزمان پیش خواهد برد. به عبارتی هم عادی‌سازی را پیگیری خواهد و هم به دنبال تحقق ایده دو دولتی خواهد بود.

منبع: روزنامه اعتماد 13 آبان 1403 خورشیدی